

تدوین الگوی چندوجهی ارزیابی توسعه علوم انسانی^۱

محمدامین قانعی‌راد^{1*}، مریم محمودی²، حسین ابراهیم‌آبادی³

1- استاد گروه پژوهشی علم و جامعه، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

2- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد و پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری

3- دانشیار آموزش الکترونیکی و روانشناسی تربیتی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

چکیده

نداشتن الگوی اختصاصی برای ارزیابی علوم انسانی و استفاده از شاخص‌های مشترک علوم طبیعی و مهندسی برای ممیزی این حوزه موجب انتقاد محققان، ناکارآمدی سنجش‌های صورت‌گرفته و ارائه تفاسیر غیردقیق از وضعیت علوم انسانی در کشور شده است. هدف این مقاله ساختن یک مدل مفهومی و پیشنهاد الگوی چندوجهی برای ارزیابی توسعه علوم انسانی است. با مرور پیشینه‌ای که به سرشت، ویژگی‌ها و نقش‌های علوم انسانی در بخش‌های مختلف جامعه پرداخته‌اند و با رویکردی تلفیقی، چارچوب انواع چهارگانه علوم اجتماعی بوروی را به علوم انسانی توسعه داده و از ترکیب انواع علوم انسانی شامل علوم انسانی حرفه‌ای، انتقادی، سیاستی و حوزه عمومی و نیز انواع مشارکت‌های ضروری اصحاب علوم انسانی شامل مشارکت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مشارکت در تولید دانش و ساختن شبکه‌های شناختی، مدلی تحلیلی به دست آمده است. سپس مدل فوق‌الذکر با استفاده از روش ترکیبی شامل تحلیل اسنادی مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته، تکمیل و در نهایت بر مبنای مدل حاصله و با الهام گرفتن از آئین‌نامه فعلی ارتقاء اعضای هیأت‌علمی، الگوی پیشنهادی ارزیابی فعالیت‌های اصحاب علوم انسانی ارائه شد. لحاظ چهار وجه برای این الگو، امکان طراحی شاخصی مشترک برای علوم انسانی از طریق تخصیص ضرایب اهمیت متفاوت بنا به ماهیت و کارکردهای خاص هر رشته در عین توجه به تفاوت‌های درون علوم انسانی را فراهم می‌کند. این الگو شامل پنج بُعد اصلی در وجوه چهارگانه مفروض برای علوم انسانی است که عبارتند از آموزش (بُعد اول) شامل دو بخش آموزش برای جامعه و آموزش دانشگاهی، پژوهش (بُعد دوم) شامل سه بخش پژوهش آموزشی، پژوهش دانشگاهی و پژوهش برای جامعه، مشاوره و خدمات دانشگاهی و اجتماعی (بُعد سوم) شامل مشاوره و خدمات مردم‌مدار، مشاوره‌ها و خدمات سیاستی و خدمات دانشگاهی و مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی (بُعد چهارم) و در نهایت یادگیری (بُعد پنجم).

کلیدواژه‌ها: الگوی ارزیابی، علوم انسانی، روش ترکیبی، رویکرد تلفیقی

1- مقدمه

کنشگران، از وجوه کارکردی مختلفی مانند تقویت عملکرد و کیفیت پژوهش، بهینه‌سازی تخصیص منابع، شناسایی همکاران برای شبکه‌سازی و فراهم کردن امکان رتبه‌بندی و برنامه‌ریزی برخوردار است و مشخصاً برای نهادهایی که بودجه فعالیت آنها توسط بخش عمومی تأمین می‌شود امری ضروری است [1]. اما مسئله این است که شاخص‌های فعلی ارزیابی توسعه علوم و فعالیت‌های محققان علوم انسانی، همانند سایر رشته‌ها است. آخرین آئین‌نامه وزارت علوم،

ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی چه در حوزه علوم انسانی و چه در دیگر حوزه‌های علوم، برای جامعه، سیاست‌گذاران و

DOI: 10.22034/jstp.2017.9.1.180200

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: Ghaneirad@yahoo.com

^۱: برگرفته از طرح پژوهشی "تبیین و تدوین شاخص‌های مشترک و اختصاصی و طراحی مدل شاخص‌های ترکیبی ممیزی توسعه علوم انسانی" محمدامین قانعی‌راد (مجری طرح) و به سفارش معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری.

برای انجام وظایف و مشارکت در حل مسائل خاص اجتماعی و طبیعی و همچنین تحلیل‌های انتقادی از کارکرد جوامع و سیاست‌های عمومی و برنامه‌های دولت را برای آموزش علوم اجتماعی در دانشگاه‌ها به صورت عمومی ذکر می‌کنند. در این گزارش‌ها دانش انسانی باید در افزایش توانایی‌های تحلیلی، مقابله با پیش‌داوری، نقد ایدئولوژی، توجه به اخلاقیات علم و فناوری و غلبه بر خودمحوری فرهنگ‌ها مشارکت داشته باشد [9-14].

در ایران نیز بکارگیری شاخص‌های مشترک فعلی توسط محققان این حوزه به شدت نقد و موجب تحت سلطه قرار گرفتن، ضعف و درجه دو محسوب شدن علوم انسانی قلمداد شده است¹.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که علی‌رغم ضرورتی که بر طراحی شاخص‌های مجزا وجود دارد هنوز پژوهش مدونی که دقیقاً این موضوع را مورد بحث قرار داده باشد در ایران انجام نشده است. تنها موارد مرتبط، پژوهش‌های فاتحی و محمدی [15] و آذر و ترکاشوند [16] بودند که به موضوع ارزیابی عملکرد اعضای هیأت‌علمی با استفاده از مدل‌های عام ارزیابی عملکرد کارکنان پرداخته‌اند ولی تمایزی میان رشته‌ها قائل نشده‌اند. علاوه بر آن در پژوهشی با عنوان «روش‌های تحلیل حجم کاری اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (مطالعه موردی)» وظایف هیأت‌علمی را بدون در نظر گرفتن تفاوت میان رشته‌ها در پنج گروه تقسیم نموده‌اند: وظایف مربوط به دانش‌پژوهی؛ تدریس و آموزش؛ مشاوره و خدمات علمی داخل و خارج دانشگاه یا مؤسسه؛ خدمات مدیریتی، اجرایی و اداری و در نهایت فعالیت‌های مربوط به رشد حرفه‌ای و شخصی [17].

بنابراین همچنان این پرسش بدون پاسخ مانده است: "ابعاد و مؤلفه‌های الگوی اختصاصی ارزیابی توسعه علوم انسانی در ایران کدامند؟" هدف این تحقیق پاسخ به آن است.

2- مرور نظری و چارچوب مفهومی پژوهش

در مرور دیدگاه‌های مرتبط با سرشت، کارکردها و رسالت‌های گوناگون علوم انسانی، سه دسته اصلی دیوان‌سالار

تحقیقات و فناوری مصوب اسفند 1394 شورای عالی انقلاب فرهنگی بجز دو بند مربوط به کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی و امتیاز مربوط به تألیف کتب، علوم انسانی را از سایر علوم متمایز نکرده است [2]. در واقع این آئین‌نامه و نسخه‌های قبلی آن در سال‌های 67، 80، 87 و 89 برای همه رشته‌های دانشگاهی تدوین شده که ویژگی‌های اختصاصی گروه‌های مختلف علوم را در نظر نگرفته و در یک تقسیم‌بندی کلی تنها سه دسته فعالیت آموزشی، پژوهشی و خدمات علمی-اجرایی را به رسمیت شناخته است.

سنجش علوم انسانی با شاخص‌های مشترک به دلیل تفاوت‌های سرشتی این علوم مورد انتقاد قرار گرفته زیرا این شاخص‌ها به جهت‌گیری محلی و ملی قوی‌تر علوم انسانی و تفاوت در رفتارهای استنادی و انتشاراتی و نیز فرهنگ پژوهش و تأثیر این تمایزات بر ناکارآمدی شاخص‌ها بی‌توجه است. مسائل علوم انسانی و اجتماعی، جهت‌گیری ملی و محلی قوی‌تری نسبت به علوم طبیعی دارند و یافته‌های این حوزه گاهی تنها در فرهنگی که متولد شده‌اند قابل استفاده بوده و غالب آثار به زبان مادری و به شکل منطقه‌ای منتشر می‌شوند [3و4]. رفتار استنادی و انتشاراتی متمایز علوم انسانی در چهار وجه اهمیت بیشتر کتاب و انتشار کمتر مجلات در علوم انسانی، اهمیت بیشتر مخاطبان غیردانشگاهی، شتاب کمتر توسعه نظری و نهایتاً همکاری کمتر بین پژوهشگران نمود می‌یابد [5-7]. همچنین تفاوت فرهنگ پژوهش علوم انسانی در توافق کمتر ویژگی‌های پژوهش علمی موفقیت‌آمیز، تفاوت معنای استناد، فقدان یک ساختار روشن "هسته-پیرامون" در ساختار نظام ارتباطات، عدم غلبه زبان انگلیسی به عنوان زبان مسلط و اهمیت تک‌نگاشت‌ها نسبت به علوم طبیعی قابل مشاهده است [8].

علاوه بر تفاوت‌های سرشتی، کارکردهای ویژه‌ای برای علوم انسانی برشمرده شده که از سایر علوم انتظار نمی‌رود و طبیعتاً در شاخص‌های مشترک فعلی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. گزارش‌های علوم اجتماعی کارکردهایی از جمله انتقال میراث فرهنگی، دانشگاهی و تاریخی به منظور ملت‌سازی و مشارکت شهروندی؛ شناخت روندهای اجتماعی و اقتصادی و شناخت پیامدهای آن برای رفاه شهروندان؛ شناخت نقش دانش در جهان؛ مدیریت جامعه و آموزش مهارت‌های لازم

1- به عنوان مثال، سخنرانی عباس منوچهری در همایش چالش‌های اشتغال در علوم انسانی، سال 1387، تالار فردوسی دانشگاه تهران. پایگاه خبری سحر نیوز.

(حرفه‌ای)، انتقادی و تلفیقی قابل تشخیص است.

دیدگاه دیوان‌سالار بر نقش‌های حرفه‌ای و دانشگاهی و کمک به شناخت قوانین علمی و پدیده‌های اجتماعی به نفع کنترل جامعه تأکید می‌کند. وبر¹ با دفاع از حرفه‌ای شدن دانشمند علوم انسانی و ضرورت تمایز دانشگاه و سیاست در این دسته می‌گنجد. مرتون² نیز با تمایز قائل شدن میان دو نوع روشنفکر دیوان‌سالار و روشنفکر مستقل، نقش‌های متفاوتی برای متفکران علوم انسانی برمی‌شمرد. روشنفکر دیوان‌سالار به سیاست‌گذار اجازه می‌دهد قلمرو پژوهش او را تعیین کند و تلویحاً دانش خود را برای حفظ ترتیبات نهادی خاص وام می‌دهد اما روشنفکر ناوابسته دانشی را عرضه می‌کند که می‌تواند موجب تعدیل ترتیبات نهادی رایج شود. پارسونز³ ویژگی جامعه مدرن را شکل‌گیری حرفه‌ها می‌داند [18]. مانهایم⁴ که طی دوران فعالیتش در آلمان از نگرشی انتقادی برخوردار بوده پس از مهاجرت به انگلستان از نقش نخبگان به عنوان برنامه‌ریزان اجتماعی دفاع می‌کند [19].

به نظر وبر دانشگاه کانون عقلانیت است و مبارزه برای آزادی باید در جایی دیگر صورت گیرد اما نظریه‌پردازان انتقادی چون میلز⁵ و هابرماس⁶ چنین شکافی را بین دو کانون عقلانیت و آزادی برقرار نمی‌کنند. گرایش انتقادی در علوم اجتماعی در مقابل این تمایز، روابط دو قلمرو را مطرح و رفتار سیاسی را برای اهل علم ممکن می‌داند. گرایش انتقادی سی‌رایت میلز [20] درباره رسالت سیاسی دانشمندان علوم اجتماعی در مقابل الگوی وبری و پارسونزی علم و دانشگاه قرار دارد: جامعه‌شناسان با دیوان‌سالاری شدن عقل و تفکر، خود را به عنوان متخصصین، کارشناسان و بوروکرات‌ها در خدمت نظام‌های اجتماعی قرار می‌دهند اما آنها باید از طریق پژوهش‌های خود، صاحبان قدرت و تصمیم‌سازان را متوجه مسئولیت و نتایج تصمیماتشان کنند و رابطه میان مسائل عام و مشکلات شخصی را برای مردم توضیح دهند.

موج جدید توسعه علوم انسانی پس از سال‌های 1968 به شیوه‌های متفاوت در پی تلفیق کارکردهای حرفه‌ای، سیاستی و انتقادی بوده که می‌توان گسترش فرآیندهای دموکراتیزه

شدن جامعه و علم و همچنین درگیر شدن گروه‌های مختلف اجتماعی در حوزه علم را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر پیدایش، تقویت و پذیرش صورت‌های تلفیقی علوم انسانی دانست که در اشکال زیر قابل بحث می‌باشند:

الف) گیبونز⁷ [21] و نووتنی⁸ و همکاران [22] با کاربرد مفهوم هم‌تحوالی جامعه و علم، ضرورت گذار از مفهوم دانش معتبر⁹ به دانش مستحکم اجتماعی¹⁰ را مطرح می‌کنند. دانش دارای استحکام اجتماعی می‌تواند آرمان‌های اجتماعی را پیش‌بینی کرده و به نیازهای پنهان پاسخ دهد. این دانش، عرصه را برای عاملیت انسانی، افزایش توزیع اجتماعی دانش، برقراری ارتباط بین دانش‌های مختلف و نیز توسعه دانشگاه‌های حساس به زمینه و واقعیات محلی فراهم می‌کند.

ب) مقابله نهضت‌های اجتماعی اخیر جوانان، زنان و محیط زیست با رویکرد نخبه‌گرایانه در عرصه جامعه و دانش و مطالبه مشارکت دموکراتیک و بیشتر در تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه پژوهش

ج) حرکت الگوی دانشگاه در شرایط مدرنیته متأخر به سمت دانشگاه‌هایی که علی‌رغم حفظ استقلال دانشگاهی با جامعه بیرونی نیز رابطه دارند.

د) گرایش حرفه‌ای جدید برآمده از جامعه دانایی‌محور که بر تعامل بین حرفه‌ای‌ها از جمله اندیشمندان علوم انسانی با گروه‌های مختلف جامعه شامل دانشگاهیان، مردم و سیاست‌گذاران تأکید می‌کند.

در واقع رویکردهای دیوان‌سالار و انتقادی غالباً بر یکی از وجوه نقش دانشمند علوم انسانی تأکید می‌کنند و وجه دیگر را نادیده می‌گیرند اما رویکردهای تلفیقی بر افزایش اهمیت توجه به بیرون از دانشگاه (جامعه و سیاست‌گذاران) علاوه بر دو نقش حرفه‌ای و انتقادی تأکید دارند و بر این اساس، مدل سنجش توسعه علوم انسانی و ارزیابی فعالیت‌های اصحاب این حوزه باید مجموعه این نقش‌های محوله به اندیشمندان را در قالب یک مدل تلفیقی جامع ارزیابی کند. شکل توسعه‌یافته مدل بوروی¹¹ [23] از چهار نوع علوم اجتماعی، مدل مناسبی برای این منظور است که واجد ویژگی‌های مدنظر می‌باشد.

7- Gibbons

8- Nowotny

9- Reliable knowledge

10- Socially robust knowledge

11- Michael Burawoy

1- Weber

2- Merton

3- Parsons

4- Mannheim

5- C. Wright Mills

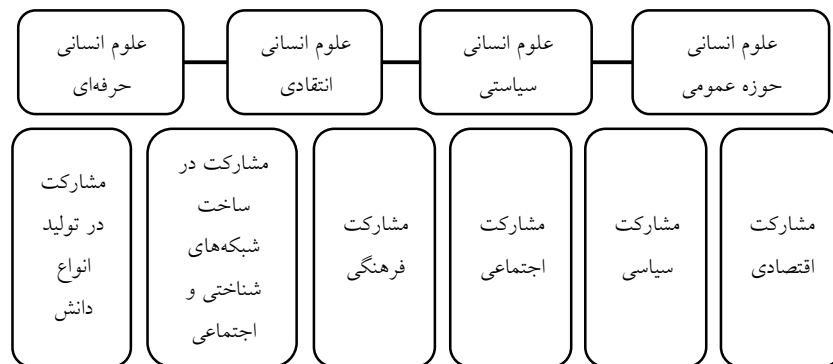
6- Habermas

1-2 چهار نوع علوم انسانی: حرفه‌ای، سیاسی، انتقادی و حوزه عمومی

ممکن است طی دوره‌های مختلف از یک ترکیب به ترکیب دیگر تغییر یابد. هر یک از این فعالیت‌ها و نقش‌های چهارگانه با تولید یک نوع دانش خاص سازگاری دارد که با وجود جدایی نسبی، دارای هم‌پوشانی و وابستگی متقابل می‌باشند. بوروی آنها را بیانگر تمایزپذیری کارکردی در علم و نشانه چهار دسته از ترجیحات متمایز می‌داند. این ترجیحات در مسیرهای شغلی مختلف دانشمندان بازتاب یافته و غالباً در هر زمان، بیشتر دانشمندان تنها یکی از این چهار قلمرو را اشغال می‌کنند. این چهاروجهی بودن همچنین می‌تواند تفاوت‌های درونی رشته‌های علوم انسانی را هم پوشش دهد چرا که هر کدام از رشته‌های درون علوم انسانی ممکن است ترجیحات متفاوتی داشته باشند. با الهام از تعریف او از چهار نوع جامعه‌شناسی، می‌توان چهار نوع علوم انسانی را بدین صورت تعریف کرد (شکل 1).

1-1-2 علوم انسانی حرفه‌ای

علوم انسانی حرفه‌ای اغلب به عنوان جریان اصلی⁷ تولید دانش به صورت مقالات و کتب، زمینه فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و کاربردهای حرفه‌ای و تخصصی را فراهم می‌کند. دانش حرفه‌ای عبارت است از نظریات و روش‌های هر رشته علمی که به شیوه‌ای نهادین تعریف و تنظیم شده است. رشته‌های علمی از طریق توافق در مورد چارچوب‌های مفهومی و روش‌های آزمون‌شده، معرفت علمی را متراکم و نظریات متناظر با جهان تجربی را تولید می‌کنند.



شکل 1) مدل تحلیل ارزیابی توسعه علوم انسانی

2-1-2 علوم انسانی انتقادی

علوم انسانی انتقادی صحت و سقم مفاهیم، فرضیه‌های هنجاری و توصیفی و کردارهای حرفه‌ای را مورد بررسی قرار

مایکل بوروی [23] با هدف تمایزبخشی به جامعه‌شناسی به عنوان نیروی اخلاقی و سیاسی و بحث از ضرورت جامعه‌شناسی مردم‌مدار، چهار نوع جامعه‌شناسی حرفه‌ای، سیاسی، انتقادی و حوزه عمومی¹ را در قالب یک ماتریس چهارگانه از همدیگر تفکیک می‌کند. ماتریسی که علی‌رغم اهمیت ویژه‌ای که بوروی به حوزه عمومی می‌دهد میزان پررنگ بودن ابعادش از زمانی به زمانی دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. هر یک از انواع چهارگانه جامعه‌شناسی به پرسش‌های «دانش برای چه کسی؟» و «دانش با چه هدفی؟» به گونه‌ای متفاوت پاسخ می‌دهند [24]. هدف بوروی، به رسمیت شناختن همه این انواع و پیشنهاد جهت‌گیری‌های اخلاقی و سیاسی است که بر این مبنا می‌توان برای کل علوم انسانی، همه انواع فوق و همچنین جهت‌گیری‌های مورد اشاره را نیز به رسمیت شناخت و با گسترش مقوله‌بندی بوروی از جامعه‌شناسی به علوم انسانی، از چهار نوع علوم انسانی سخن گفت: علوم انسانی حرفه‌ای²، حرفه‌ای²، علوم انسانی سیاسی³، علوم انسانی انتقادی⁴ و علوم انسانی حوزه عمومی⁵ و از طریق مبنا قرار دادن آن برای برای ارزیابی، میزان جهت‌گیری اخلاقی کل علوم انسانی را سنجید. رشته‌های علوم انسانی گاه بر یکی از نقش‌های فوق تأکید و گاه دارای ترکیبات نقشی⁶ هستند و این ترکیبات

1- جامعه‌شناسی حوزه عمومی توسط خانم نازنین شاه‌رکنی مترجم مقاله بوروی (1386) به جامعه‌شناسی مردم‌مدار نیز ترجمه شده است.

2- Professional human sciences
3- Policy human sciences
4- Critical human sciences
5- Public human sciences
6- Role-combinations

جامعه» و یک میزان‌الحراره برای شناخت تبوتاب‌های اجتماعی عمل می‌کند.

علوم انسانی حوزه عمومی و علوم انسانی سیاستی نمی‌توانند بدون علوم انسانی حرفه‌ای که مشروعیت، تخصص، تعاریف مسائل متمایز، پیکره‌های متناسب دانش و فنون تحلیل داده‌ها را عرضه می‌کنند وجود داشته باشند و در عین حال با شکوفایی و رشد خود، رقابت در دانش را افزایش و جستجوی هوشیارانه برنامه‌های پژوهشی منسجم را ممکن می‌کنند. یک دانش حرفه‌ای در حال شکوفایی، به چالش‌های مطرح‌شده توسط رویکردهای انتقادی حوزه عمومی و سیاستی بستگی دارد.

مدل بوروی مدلی است که با در نظر گرفتن وجهه اخلاقی و کارکردهای متنوع برای همه انواع علوم انسانی، قابل تعمیم است. هدف از این تعمیم، بهره‌مندی از ظرفیت آن برای توسعه اهداف و وظایف علوم انسانی است چنانکه رشته‌های مختلف علوم انسانی با توجه به ویژگی‌های خاص خود در بخش‌های مختلف فعالیت و این فعالیت‌ها امکان ارزیابی داشته باشند. همچنین علی‌رغم اینکه بوروی از مدل چهارگانه خود برای علم‌سنجی جامعه‌شناسی استفاده نکرده اما هدفش تعیین جهت‌گیری‌های راهبردی علم و نسبت آن با سیاست، بازار و جامعه بوده است. لذا بر همین مبنا، الگوی مذکور امکان طراحی شاخص را فراهم می‌کند.

2-2 بررسی انتقادی تجربه ایران

این بخش، تصویری کلی از وضعیت شاخص‌های فعلی و نقد آنها در اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور و مرتبط با قلمروی علوم انسانی شامل 18 سند تدوین‌شده به وسیله کارگروه‌های مختلف «کمیتة علوم انسانی، معارف اسلامی و هنر» را با استفاده از روش تحلیل محتوی ارائه می‌دهد. در اسناد فوق‌الذکر با عناوین «معیارهای سنجش وضع موجود و مطلوب» و «شاخص‌های پیشنهادی ارزیابی و شناخت وضعیت علمی رشته‌ها» به برخی شاخص‌ها اشاره شده اما این شاخص‌ها غالباً کمی بوده و کارکردهای مختلف علوم انسانی را پوشش نمی‌دهند و علاوه بر این تنها شامل سه بخش آموزشی، پژوهشی و فناوری می‌باشند.

علاوه بر شاخص‌های کمی فوق‌الذکر، برخی مقولات اصلی دیگر نیز در تحلیل اسناد پشتیبان رشته‌های مختلف علوم

می‌دهد و می‌کوشد تا توجه اهل حرفه را به مواردی معطوف کند که نادیده گرفته شده‌اند. حرفه‌گرایی انتقادی می‌کوشد نقش حرفه را از دلایل ابزاری همچون تولید ثروت و قدرت و یا خدمات به گروه‌ها و طبقات مسلط، به دلایل ارزشی و انسانی معطوف کند. دانش انتقادی، دانش حرفه‌ای را بر اساس چارچوب‌های هنجاری وسیع‌تر مورد بازجویی قرار داده تا آن را از سوگرایی یا سکوت آگاه کند و بدین ترتیب برنامه‌های پژوهشی بدیل را طرح می‌کند. علم انتقادی به عنوان وجدان علم حرفه‌ای اغلب خودش را در تقابل با علم حرفه‌ای یا جریان اصلی علم¹ تعریف می‌کند و امکان بازاندیشی را در لبه فکری علم ممکن می‌سازد.

3-1-2 علوم انسانی سیاستی

علوم انسانی سیاستی محصول نزدیکی علوم انسانی به دنیای تصمیم‌گیری و عمل سیاسی است. دانش سیاست‌گذاری در خدمت یک مراجعه‌کننده خواهان مشورت² قرار می‌گیرد که مسئله خود را تعریف و از دانشمند علوم انسانی می‌خواهد که او را در یافتن راه‌حل یاری کند. این نقش در رشته‌های مختلف از اهمیت یکسانی برخوردار نیست برای مثال در اقتصاد، مدیریت و روانشناسی بیش از سایر رشته‌های علوم انسانی اهمیت دارد. دانش سیاست‌گذاری بر اساس عملی بودن³، اثربخشی و سودمندی در مداخلات ارزیابی می‌شود.

4-1-2 علوم انسانی حوزه عمومی

علوم انسانی حوزه عمومی صورت‌های ارتباطات بیرون از قلمرو رسمی علم بین دانشمندان و مخاطبین وسیع‌تر در قلمروهای همگانی⁴ یا «عموم برون‌دانشگاهی»⁵ و اغلب از طریق رسانه‌های ارتباطی را شامل می‌شود. دانشمندان در این نقش خود همچون یک روشنفکر حوزه عمومی⁶ هستند. دانش حوزه عمومی مبتنی بر توافق بین دانشمندان و عامه مردم است و بر مبنای «تناسب» با نیازها و افکار آنان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که گاهاً فرضیات ارزشی علوم انسانی سیاستی را به چالش کشیده و از این حیث می‌توان آن را وجدان علوم انسانی سیاستی تلقی کرد. علوم انسانی حوزه عمومی در تعامل با گروه‌های مختلف مردم همچون «ذهن

1- Mainstream science

2- Client

3- Practicality

4- Public spheres

5- Extra-academic publics

6- Public intellectual

انسانی به عنوان شاخص‌های مطلوب اما مغفول برای سنجش علوم انسانی قابل استخراج است (جدول 1).

3-2 بررسی تجربیات خارجی

با مرور تجربیات کشورهای پیشرفته در دگرگونی رابطه علم و جامعه شاهد تأثیر سه موج از دموکراتیک شدن دانش در شاخص‌های ارزیابی و ممیزی علوم انسانی بوده‌ایم. سه موج ارتباط علم و جامعه که در سه مدل کمبود عمومی¹، درگیری عمومی و تولید مشترک دانش² صورت‌بندی شده‌اند [25 و 26]. به ترتیب نشانه پیشرفت دموکراسی در علم از دموکراسی آموزش علمی به دموکراسی سیاست علمی و سپس دموکراسی معرفت علمی است. هدف دموکراسی آموزشی، افزایش دسترسی به آموزش و سواد در بین عامه مردم است. تجربیات کشورهای پیشرفته نشان‌دهنده تلاش برای فائق آمدن بر تمایز³ بین مردم و متخصصان است [27]. پیدایش شیوه مشترک تولید دانش، دانش عامه و دانش تخصصی⁴ را در ارتباط با هم قرار داده و این امر به باروری

متقابل هر دو می‌انجامد. به همین دلیل، دانشگاه‌ها اهمیت بسیاری برای فعالیت‌هایی که پیوند بین دانشمندان و اجتماع برقرار می‌کنند قائل هستند. بررسی تجربیات 25 دانشگاه از کشورهای مختلف در مورد «نقش‌ها و مسئولیت‌های مشارکت مدنی آموزش عالی»، هفت شیوه مختلف را برای یکپارچه کردن مشارکت مدنی با مشغله‌های اساسی دانشگاه‌ها (آموزش و پژوهش) برشمرده است:

- الف) لحاظ مشارکت مدنی به عنوان یک کارکرد اساسی دانشگاه و ارتقاء اولویت آن برابر با آموزش و پژوهش
- ب) مشارکت مدنی با هدف اثرگذاری بر پژوهش اساتید و دانشجویان از طریق پژوهش در قلمروهایی خاص مانند جنسیت، حقوق بشر، دموکراسی و پژوهش اجتماع‌محور⁵
- ج) آموزش اجتماع‌محور برای دانشجویان از طریق فعالیت‌های خدمات اجتماعی
- د) برنامه‌های آموزشی معطوف به سایر گروه‌های هدف در جامعه از قبیل گروه‌های محروم‌تر، کارکنان سازمان‌های

جدول 1) شاخص‌های مغفول مستخرج از اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور

عنوان شاخص	توضیحات
تعامل و ارتباط نزدیک‌تر اساتید و دانشجویان	نظرسنجی از دانشجویان، ترویج شیوه‌های آموزش مشارکتی، کاربرد روش‌های فعال آموزشی، آموزش‌های گروهی، تشویق دانشجویان به عضویت و مشارکت در هسته‌های دانشجویی، انجمن‌های علمی و ...
اخلاقیات علمی و حرفه‌ای	تعهد به اخلاق علمی، پایبندی به اهداف دانشگاه، پرهیز از قدرت‌طلبی و سیاست، مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری، استقلال آکادمیک و هویت صنفی، روحیه جمعی و کارگروهی و انتقال آن به دانشجویان و ...
توجه به معیارهای معرفتی	گسترش ارتباط رشته‌های علوم انسانی با سایر رشته‌های درون و بیرون علوم انسانی، بومی‌سازی علوم انسانی و توجه به زمینه‌های فرهنگ ایرانی-اسلامی، یادگیری و دانش‌افزایی و ...
آموزش مدرسه‌ای و غیردانشگاهی	آموزش روش‌های تدریس به معلمان، آموزش وبلاگ‌نویسان و پدید آوردن زمینه‌های مناسب رشد آنان، تقویت روحیه اعتماد به نفس و عزت و غرور ملی در متون آموزشی، روزآمد ساختن متن‌های درسی برای آموزش در سطح مدارس و ...
افزایش درک عامه از علم و فعالیت‌های مردم‌مدار (دانش حوزه عمومی)	تربیت شهروندانی مسئولیت‌پذیر و آینده‌نگر، تربیت نیروی کار ماهر، تقدیر از پیشکسوتان با هدف کمک به دانش عمومی و شکل‌گیری خرد جمعی، برگزاری مسابقات علمی افزایش خلاقیت و نوآوری، گسترش فرهنگ پژوهش، تفکر انتقادی، فرهنگ علم‌جویی و ...
فعالیت‌های مردم‌مدار (دانش حوزه عمومی)	روشن ساختن توانایی حوزه مربوطه در زمینه‌های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی برای مردم، توانمندسازی مردم، تشکیل نهادهای مدنی مرتبط برای توسعه رشته، پیوند مرکز آموزشی و مراکز اجرایی، جلوگیری از بروز خطرات احتمالی کژکارکردهای رسانه‌ها، نقش سازمان‌های غیرانتفاعی در گسترش حلقه‌های ارتباطی در جامعه و خلق امکانات برای رشته و ...
توسعه ارتباطات علمی	همکاری و رقابت علمی با دانشگاه‌های داخل و خارج، برقراری ارتباط با سایر گروه‌های آموزشی و علمی دانشگاه‌ها و ...

1- Public deficit model
2- Knowledge co-production model
3- Demarcation
4- Expert knowledge

عمومی محلی و یا غیردولتی

ه) تأمین اعتبار برای کار یا پژوهش در قلمرو مسائل مدنی
و) تأسیس مراکزی در دانشگاه برای مطالعه مسائل اجتماعی
ز) مشارکت در گفتگوهای سیاستی¹ با حکومت

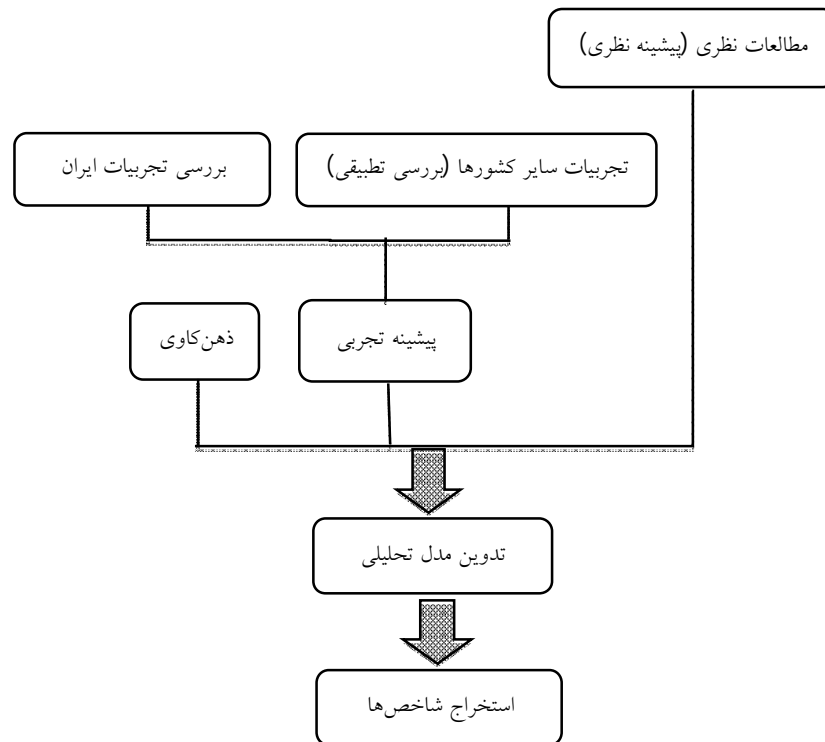
3- روش تحقیق

در این پژوهش از مثلث‌سازی² (به معنای بهره‌برداری از روش‌های گوناگون کیفی برای رسیدن به پاسخ‌های پرسش تحقیق) استفاده شده است چرا که برای دستیابی به یک شاخص جامع می‌بایست همه اسناد و تجربیات موجود و نیز نظرات خبرگان مورد توجه قرار می‌گرفت. مراحل تحقیق در شکل 2 نشان داده شده است.

برای بررسی پیشینه تجربی و نظری پژوهش و شناخت تجربیات ایران و سایر کشورها از روش تحلیل محتوی و بررسی اسنادی استفاده شده است. در بررسی تجربیات ایران علاوه بر مطالعه اسنادی، با روش تحلیل محتوای کیفی به مطالعه اسناد پشتیبان نقشه جامع علمی کشور (شامل 18 سند

در 1363 صفحه) به عنوان مرتبطترین اسناد مربوط به موضوع تحقیق پرداخته شد. در بخش تجربیات خارجی نیز با روش اسنادی به بررسی تجربیات کشورهای پیشرفته در دگرگونی رابطه علم و جامعه و تأثیر سه موج از دموکراتیک شدن دانش در شاخص‌های ارزیابی و ممیزی علوم انسانی و افزایش مشارکت مدنی دانشگاه‌ها و علوم انسانی پرداخته شد و همچنین درگیر شدن دانشگاه‌ها در فعالیت‌های اجتماع‌محور نیز مورد بررسی قرار گرفت.

پس از مرور نظری و تجربیات داخلی و جهانی، دیدگاه اعضاء هیأت‌علمی و پژوهشگران رشته‌های مختلف علوم انسانی به عنوان مهم‌ترین کنشگران این عرصه در قبال وضعیت موجود و مطلوب ممیزی توسعه علوم انسانی به شیوه‌ای روش‌مند مطالعه شد تا با شناخت بهتر وضعیت فعلی، امکان تدوین الگو فراهم شود. از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته مبتنی بر نمونه‌گیری غیراحتمالی و هدفمند برای ذهن‌کاوی و درک دیدگاه‌های اساتید برجسته، صاحب‌نظران مطرح و اعضاء هیأت مدیره انجمن‌های علوم انسانی (35



شکل 2) مراحل پژوهش

1- Policy dialogues
2- Triangulation

می‌دانند. علاوه بر آن در زمینه وضعیت مطلوب معیارها و شاخص‌ها در دو بخش فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، وضعیت موجود با ایده‌آل آنها فاصله زیادی دارد که برای سنجش این دو بخش مهم و اساسی نیز باید بازنگری‌های متناسب با علوم انسانی در شاخص‌های فعلی صورت گیرد. آنها همچنین معتقد بوده‌اند که آموزش و پژوهش تنها بخشی از وظایف اساتید علوم انسانی است و شاخص ارزیابی باید چهار دسته اصلی دیگر فعالیت آنها شامل یادگیری، مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی، فعالیت‌های سیاستی یا ارتباط با بخش عمومی و خصوصی و فعالیت‌های مردم‌مدار یا ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره به مردم را نیز در نظر گیرد.

4-2 شناسایی انواع فعالیت‌های اعضاء هیأت علمی حوزه

علوم انسانی

«آموزش»، «پژوهش»، «خدمات دانشگاهی و اجتماعی»، «مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی» و «یادگیری جمعی» به عنوان پنج نوع اصلی فعالیت‌های اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها در رشته‌های علوم انسانی شناسایی شدند. انواع کلی فعالیت‌های پنج‌گانه فوق به همراه اجزاء فرعی هر یک از آنها در شکل 3 آورده شده است.

4-2-1 آموزش

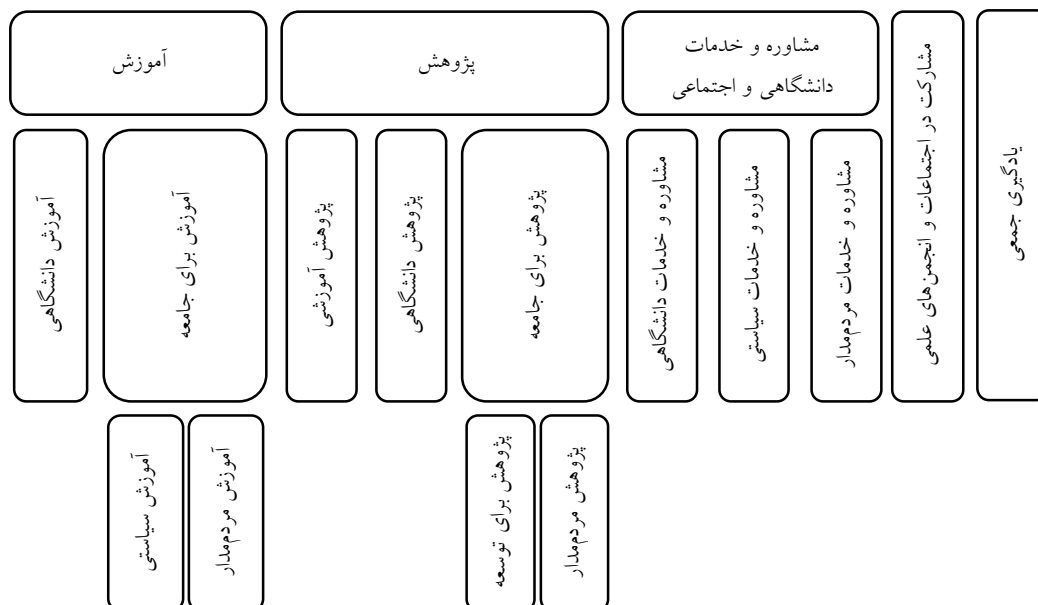
در این مطالعه، آموزش به عنوان یکی از وظایف اصلی اعضاء

استاد برجسته از 18 رشته مختلف علوم انسانی) استفاده شد. در نتیجه مراحل فوق، مدل تحلیلی حاصل شد که با بازبینی یافته‌های مطالعات اسنادی و میدانی در پرتو این مدل تحلیلی، امکان تدوین منظم مجموعه‌ای از شاخص‌های ارزیابی و ممیزی پیشنهادی برای علوم انسانی فراهم آمد. مدل مذکور که با توجه به انواع علوم انسانی، انواع مشارکت، انواع وظایف اساتید این حوزه و پیشینه نظری، پیشینه تجربی و مطالعه ذهن‌کاوی به دست آمده را می‌توان با توجه به انواع رویکردهای معرفتی در علوم انسانی، انواع مشارکت‌های اجتماعی، تعاملات با سایر رشته‌های علمی، مشارکت در شبکه نخبگان دانش و همچنین پیوندهای شبکه‌ای با نخبگان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ترسیم و مبنای تدوین الگوی چندوجهی ارزیابی علوم انسانی قرار داد.

4- یافته‌ها

4-1 دیدگاه کلی پاسخگویان

یافته‌ها به طور خلاصه نشان دادند که اساتید از وضعیت فعلی سنجش علوم انسانی به دلایل سنجش یکسان با معیارهای فنی، توجه نداشتن به تفاوت‌های درونی علوم انسانی، غلبه رویکرد کمی، مقطعی بودن، اهمیت کمتر همکاری نهادی و نهایتاً ارزیابی نشدن توسط اجتماع علمی، ناراضی هستند و تدوین شاخص‌هایی اختصاصی برای علوم انسانی را ضروری



شکل 3) انواع اصلی و اجزاء فرعی فعالیت‌های علمی دانشگاهیان در رشته‌های علوم انسانی

نشست‌های علمی؛ یادداشت و مصاحبه برای نشریات عمومی؛ حضور در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و ...
کیفیت آموزش نیز بر اساس سه معیار تناسب ارزشی/محلی، کیفیت جهانی و آموزش خلاق سنجیده می‌شود:

- تناسب ارزشی/محلی

آموزش باید از نظر محتوی معطوف به اهداف ارزشمند و ارزش‌های مورد توجه بوده و به صورت بالفعل پاسخگوی نیازهای موجود در زمینه اجتماعی باشد؛ گسترش آموزش کاربردی و محلی‌سازی آموزش بر اساس نیازها؛ کاهش شکاف بین آموزش و کاربست دانش فردی و اجتماعی؛ آموزش مسئله‌محور با توجه به مشکلات و مسائل عمومی؛ تربیت دانش‌آموختگان به عنوان متفکر، سیاست‌گذار و مدیر؛ هدایت یادگیرندگان به کسب بینش اجتماعی قوی؛ تقویت مهارت‌های پژوهشی؛ تقویت مهارت‌های یادگیری؛ ایجاد انگیزه و علاقه در یادگیرندگان؛ تشویق به یادگیری جمعی و تعاملات آموزشی و پژوهشی؛ تشویق دانشجویان به عضویت و مشارکت در انجمن‌های علمی؛ برنامه‌های فوق‌برنامه و میدانی برای اهداف گرایشی و مهارتی؛ تشویق دانشجویان به فعالیت‌های فوق‌برنامه؛ ایجاد انگیزه رقابت علمی در بین دانشجویان؛ انتقال اخلاق علمی و حرفه‌ای؛ در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی در آموزش؛ آموزش برای کار و کارآفرینی؛ آموزش اجتماع‌محور و فرهنگی

- کیفیت جهانی

آموزش باید جدیدترین ابزارها، روش‌ها و منابع آموزشی را برای وصول به اهداف و ارزش‌ها مورد استفاده قرار داده و دارای کیفیت جهانی باشد؛ کاربرد آخرین منابع آموزشی؛ کاربرد استانداردهای بین‌المللی در آموزش؛ طرح دیدگاه‌های نو و ترغیب به نوآوری؛ کاربرد برنامه‌های آموزشی پیشرفته و جهانی؛ کاربرد روش‌های فعال آموزشی مثل کارگروهی، تدریس تیمی و ...؛ کاربرد آموزش‌های حین کار؛ کاربرد فناوری‌ها، ابزارها و نرم‌افزارهای نوین آموزشی؛ کاربرد یادگیری الکترونیکی و آموزش از طریق اینترنت؛ داشتن وب‌سایت و وبلاگ آموزشی؛ آموزش مهارت‌های تفکر خلاق

- آموزش خلاق

آموزش باید بتواند به جای ایجاد وابستگی بین معلم و متعلم به یادگیرندگان کمک کند که به گونه‌ای خلاق، مستقل و

هیأت‌علمی، بر حسب مخاطبان و ابزارهای آن به شیوه متنوع‌تری تعریف شده که شامل دو وجه اصلی آموزش دانشگاهی و آموزش برای جامعه است (جدول 2).

- آموزش دانشگاهی: شامل فعالیت اساتید در کلاس‌های درس، کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی و همچنین نشست‌های علمی در مراکز آموزش عالی

- آموزش برای جامعه: فعالیت آموزشی اساتید برای مخاطبین برون‌دانشگاهی است که به دو صورت عمده آموزش سیاستی و آموزش مردم‌مدار عرضه می‌شود. هدف آموزش سیاستی انتقال دانش علوم انسانی متناسب با سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرا به سطوح کارشناسی و مدیریتی بخش‌های عمومی (قوای سه‌گانه) و خصوصی و هدف آموزش مردم‌مدار افزایش درک و فهم عمومی از علم با انتقال دانش انسانی به گروه‌های مردم به منظور تقویت خرد جمعی، بهبود کیفیت زندگی، مهارت‌های تفکر انتقادی و استدلال تحلیلی، آشناسازی مردم با ظرفیت‌های علوم انسانی و ارتقاء مشروعیت اجتماعی آن، انتقال پیام‌های اخلاقی جهانی و تقویت جامعه مدنی و تغییرات جامعه‌محور از طریق تربیت شهروندانی مسئولیت‌پذیر است.

جدول 2) انواع آموزش در علوم انسانی

وجه‌های اصلی و فرعی فعالیت آموزش	گرایش‌های معرفتی یا اجتماعی
آموزش دانشگاهی	درون‌رشته‌ای
	برای سایر رشته‌های علوم انسانی
	برای رشته‌های غیر از علوم انسانی
آموزش برای جامعه	درون‌رشته‌ای
	برای سایر رشته‌های علوم انسانی
	برای رشته‌های غیر از علوم انسانی
آموزش سیاستی	بخش عمومی
	بخش خصوصی
	رسانه‌ای
آموزش مردم‌مدار	اجتماعات محلی
	سازمان‌های غیردولتی

کمیت آموزش را می‌توان با ساعات یا تعداد فعالیت‌های آموزشی اشکال مختلف آموزش محاسبه کرد؛ تدریس درس؛ تدریس در کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های کارآموزی، بازآموزی و برنامه‌های بازدید علمی؛ سخنرانی و مشارکت در

می‌گیرد. پژوهش برای توسعه رشته نیز همچنان که از نام آن پیداست با هدف کسب دانش لازم جهت توسعه رشته انجام می‌شود و شامل پژوهش چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای، پژوهش فرارشته‌ای، علم‌پژوهی، پژوهش علم و فرهنگ و پژوهش سیاست علمی است.

پژوهش چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای جدای از اینکه تقسیم کار تخصصی بین رشته‌های علمی را به رسمیت می‌شناسد در عین حال به ایجاد انسجام بین رشته‌های علوم انسانی با یکدیگر و حتی با رشته‌های خارج از حیطه علوم انسانی می‌اندیشد تا بتوانند از ظرفیت‌های متقابل برای توسعه یکدیگر استفاده کنند.

پژوهش فرارشته‌ای از محتوای موجود دانش در رشته علمی فراتر رفته و خود رشته را به عنوان یک موضوع مطالعاتی مورد پژوهش قرار می‌دهد. هدف پژوهش فرارشته‌ای، نگاه به زمینه‌های تاریخی، فلسفی و جامعه‌شناختی تکوین و توسعه رشته یا مطالعه ارتباط رشته با زمینه‌های وسیع‌تر فرهنگی در جامعه مورد مطالعه است. انواع این پژوهش شامل علم‌پژوهی، پژوهش علم و فرهنگ و پژوهش سیاستی است که خود پژوهش سیاستی شامل دو دسته ارتباطات و اخلاقیات علمی می‌شود. علم‌پژوهی گستره‌ای از دانش‌ها و به طور خاص فلسفه علم، تاریخ علم، مطالعات اجتماعی و فرهنگی علم و آینده‌پژوهی را برای مطالعه فرارشته‌ای دانش به کار می‌گیرد و هدف آن شناخت فرآیندهای تاریخی شکل‌گیری رشته در جهان و ایران، آشنایی با زمینه‌های فلسفی و معرفت‌شناسی‌های رشته و همچنین درک رابطه رشته با زمینه اجتماعی در مراحل تکوین، توسعه و تحولات آن است. پژوهش علم و فرهنگ به مطالعه رابطه رشته با

انتقادی بیندیشند: کاربرد نوآورانه فنون، روش‌ها و نظریات آموزشی؛ نوآوری در آموزش؛ تدوین نرم‌افزارهای جدید آموزشی؛ نوآوری در برنامه‌ها و منابع آموزشی. نظرسنجی از یادگیرندگان اغلب به عنوان رایج‌ترین شیوه ارزیابی کیفیت آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد.

2-2-4 پژوهش

پژوهش نیز به عنوان یکی دیگر از وظایف اصلی اعضاء هیأت علمی، در این مطالعه بر حسب مخاطبان و ابزارهای آن به شیوه متنوع‌تری تعریف شده که دارای سه وجه اصلی و برخی وجوه فرعی است (جدول 3).

- پژوهش آموزشی: تحقیقاتی هستند که نتیجه آنها به طور مستقیم در آموزش بازتاب پیدا می‌کند. سه صورت اصلی یافت‌شده آن توسط این مقاله، پژوهش برای تعریف و توسعه دروس، رشته‌ها و دوره‌های آموزشی؛ پژوهش برای تولید محتواهای آموزشی و پژوهش برای ارتقاء کیفیت آموزشی (برای مثال ارزیابی عملکرد برنامه‌های آموزشی، شناخت عوامل مؤثر در ارتقاء سطح کیفی آموزش، شناخت عوامل انگیزشی و بازدارنده اجتماعی و فردی مؤثر بر توسعه آموزش و ...) است. تقسیم‌بندی فوق می‌تواند به صورت جزئی‌تر بر حسب نوع مخاطبین به تفکیک دانشگاهی و برون‌دانشگاهی (آموزش سیاستی و آموزش مردم‌مدار) نیز صورت گیرد.

- پژوهش دانشگاهی: عموماً در فضای دانشگاه و با هدف تولید معرفت علمی صورت می‌گیرد که می‌تواند دو صورت پژوهش درون‌رشته‌ای و پژوهش برای توسعه رشته را ذیل آن تفکیک کرد. پژوهش درون‌رشته‌ای، رایج‌ترین صورت پژوهش در دانشگاه است و پیرامون برنامه‌های پژوهشی وابسته به رشته در گروه‌های آموزشی و پژوهشی صورت

جدول 3) انواع پژوهش در علوم انسانی

وجه‌های اصلی و فرعی فعالیت پژوهش		
پژوهش آموزشی	برای دانشگاه	برای دانشجویان (تعریف، تدوین، بازمینی و توسعه دروس، رشته‌ها و دوره‌های آموزشی متناسب با نیازهای آموزشی دانشجویان و اعضاء هیأت علمی) و برای اساتید (تولید منابع آموزشی)
	برای جامعه	پژوهش آموزشی سیاستی و آموزش مردم‌مدار
پژوهش دانشگاهی	درون‌رشته‌ای	پژوهش فردی، پژوهش با همکاری دانشجویان تحصیلات تکمیلی و پژوهش با همکاری همکاران
	برای توسعه رشته	پژوهش چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای
پژوهش برای جامعه	برای توسعه	پژوهش فرارشته‌ای شامل علم‌پژوهی، پژوهش علم و فرهنگ و پژوهش سیاست علمی
	مردم‌مدار	پژوهش توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پژوهش علم و/در جامعه، پژوهش‌های راهبردی و برنامه‌ای، پژوهش عملی مشارکتی

نسبت به علم)؛ پژوهش راهبردی و برنامه‌ای در جامعه (با هدف تدوین و ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌ها برای اجتماعات محلی و سازمان‌های غیردولتی مانند تدوین برنامه‌های اجتماع‌محور در زمینه فقرزدایی، توانمندسازی، بهبود کیفیت زندگی و توسعه پایدار صورت می‌گیرد. در این نوع پژوهش، معمولاً مصرف‌کنندگان دانش فراتر از تعریف مسئله پژوهش، مشارکت چندانی در سایر فرآیندهای انجام آن ندارند) و پژوهش عملی مشارکتی مردم‌مدار (با مشارکت و برای اجتماعات محلی و سازمان‌های غیردولتی انجام می‌شود اما گروه‌های مردم نه تنها مصرف‌کنندگان دانش بلکه تولیدکنندگان دانش نیز محسوب می‌شوند) است.

کمیت پژوهش را می‌توان بر اساس تعداد فعالیت‌های پژوهشی در یکی از انواع آموزشی، دانشگاهی و پژوهش برای جامعه محاسبه کرد.

کیفیت پژوهش نیز مانند کیفیت آموزش بر اساس سه معیار تناسب محلی، کیفیت جهانی و نوآوری قابل ارزیابی است و نظرسنجی از هم‌تایان و متخصصین و همچنین مصرف‌کنندگان دانش در جامعه اغلب به عنوان رایج‌ترین شیوه ارزیابی کیفیت پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- تناسب محلی

پژوهش در شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه؛ پژوهش سیاستی برای گسترش سرمایه اقتصادی، سرمایه سیاسی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی؛ پژوهش ارزیابی با توجه به ارزش‌های انسان، جامعه و محیط زیست؛ مطالعات استانی به منظور توسعه و بازسازی مناطق مختلف کشور بر اساس نیازها و ظرفیت‌های طبیعی و انسانی؛ مطالعات منطقه‌ای (بررسی وضعیت کشورهای همسایه و منطقه)؛ مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای (بین ایران و سایر کشورها)؛ مطالعات جهانی (بررسی وضعیت کشورهای جهان)؛ توسعه تحقیقات کاربردی بر مبنای مسائل و نیازهای موجود؛ پژوهش کاربردی در جهت برطرف کردن نقاط ضعف رشته‌ها؛ جلوگیری از کنار نهادن و فراموشی سرمایه‌های علمی و انباشته‌های فکری علوم انسانی ایرانی

- کیفیت جهانی

جلوگیری از غلبه نگرش کمی در علوم انسانی؛ بهره‌گیری از روش‌های پژوهشی متنوع؛ روش‌مند ساختن پژوهش‌ها؛

عناصر مهم فرهنگ در جامعه ایرانی از جمله دریافت‌ها و مفاهیم برآمده از دین، زبان و فرهنگ عمومی می‌پردازد. مطالعات علم و فرهنگ برای قرار دادن علوم انسانی در زمینه فرهنگی جامعه ایران سودمند بوده و به گفتگوی بین علم و فرهنگ یاری می‌رساند. هدف پژوهش‌های علم و فرهنگ فراهم ساختن زمینه توسعه درون‌زای علوم انسانی با استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی است. پژوهش سیاست علمی با استفاده از دستاوردهای سایر انواع پژوهش، زمینه لازم برای تدوین و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های معطوف به توسعه آموزشی، پژوهشی، یادگیری جمعی، مشارکت انجمنی و خدمات و مشاوره در رشته را فراهم می‌کند.

- پژوهش برای جامعه: این نوع پژوهش دارای دو شکل پژوهش برای توسعه و پژوهش مردم‌مدار است و مخاطبین و بهره‌برداران اصلی آن هم در بیرون از دانشگاه می‌باشند.

بهره‌برداران پژوهش برای توسعه، بخش خصوصی و عمومی هستند. این پژوهش از چهار نوع پژوهش توسعه اقتصادی، پژوهش توسعه سیاسی، پژوهش توسعه اجتماعی و پژوهش توسعه فرهنگی تشکیل شده که می‌تواند جنبه بنیادی یا کاربردی داشته باشد. پژوهش بنیادی برای توسعه با هدف کنکاش در الگوها و نظریه‌پردازی توسعه صورت می‌گیرد. پژوهش‌های کاربردی برای توسعه با هدف بهبود و ارتقاء سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه انجام می‌شود. هدف پژوهش سیاستی برای توسعه، پژوهش‌محور ساختن نظام تصمیم‌گیری در بخش‌های عمومی و خصوصی از طریق تقویت همکاری و پیوند میان نخبگان علمی با نخبگان سیاستی و اجرایی و ایجاد اعتماد و ارتباط بین دانشگاه‌ها با نهادها و مراکز سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری است. محصول پژوهش سیاستی هم اغلب ارائه توصیه‌های سیاستی و راهکارهای مبتنی بر دانش است که با ایجاد ظرفیت‌های دانشی به ارتقاء نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بخش عمومی و خصوصی می‌انجامد.

پژوهش مردم‌مدار با هدف تولید دانش برای مصرف در جامعه و توسط مردم صورت می‌گیرد و دارای سه صورت فرعی پژوهش علم و لدر جامعه (با هدف سنجش آگاهی و نگرش گروه‌های مختلف جامعه نسبت به علوم انسانی برای برنامه‌ریزی جهت افزایش آگاهی‌های عمومی و بهبود نگرش

در رشته خود؛ افزایش دانش‌ها و مهارت‌های آموزشی؛ افزایش دانش‌ها و مهارت‌های پژوهشی؛ آشنایی با سایر رشته‌های علوم انسانی؛ آشنایی با رشته‌های غیر از علوم انسانی (علوم و مهندسی)؛ مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی؛ مطالعات میان‌رشته‌ای با رشته‌های غیر از علوم انسانی؛ سیاست علم، فناوری و نوآوری در علوم انسانی؛ مطالعات علم‌پژوهی (تاریخ، جامعه‌شناسی و فلسفه علوم انسانی)؛ مطالعات علم و فرهنگ؛ افزایش آشنایی و تسلط به زبان‌های خارجی و همچنین شناخت حوزه‌های جدید فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات وجود دارد. برون‌داد و سنجش یادگیری هم با تعداد ساعات حضور در درس و دوره‌ها، کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی، جلسات سخنرانی و نقد کتاب و نشست‌های و همایش‌های علمی (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) قابل حصول است.

4-2-4 مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی

منظور از مشارکت در اجتماعات علمی، نهادینه‌سازی فعالیت‌های علمی به عنوان یک فعالیت جمعی است که در درون نهادهای خاص و از طریق اقتضانات نهادین ویژه خود صورت می‌گیرد. ساخت اجتماعات علمی به نوبه خود به ساخت الگو و برنامه پژوهشی علوم انسانی کمک می‌کند و این دو به طور هم‌زمان یکدیگر را تقویت می‌کنند که نهایتاً به نهادینه شدن هنجارهای شناختی و اجتماعی دانش می‌انجامد. اجتماعات علمی و معرفتی معمولاً افراد را فراتر از وابستگی‌های سازمانی آنها با یکدیگر پیوند می‌دهد. در این بخش نه تنها فرهنگستان‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و شبکه‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و انجمن‌های حرفه‌ای و دانش‌آموختگان بلکه خُرده‌اجتماعات علمی نیز اهمیت دارند خُرده‌اجتماعات علمی در قالب گروه‌های خودجوش چندنفره محفلی و دارای همکاری نسبتاً مستمر با یکدیگر که نتیجه همکاری آنها به صورت هم‌تألیفی‌های درون و برون‌سازمانی (در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) هویدا می‌شود. کانون‌های تفکر، مجلات و همایش‌های علمی نیز به عنوان نهادها و اجتماعات معرفتی در نظر گرفته شده‌اند. اجتماعات معرفتی مجازی نیز بخش دیگری از اجتماعات علمی را شکل می‌دهند که اهمیت فزاینده‌ای در افزایش تعاملات علمی بین نخبگان پیدا می‌کنند.

استفاده از آخرین روش‌های پژوهش؛ کاربرد نرم‌افزارها و سایر ابزارهای جدید پژوهشی؛ استفاده از مفاهیم، مدل‌ها، نظریه‌ها و پارادایم‌های جدید؛ توجه به اصول، مبانی، شیوه‌های روش‌شناسی و مکتب‌های تحقیقاتی؛ جلوگیری از غلبه روش‌شناسی خاص علوم تجربی؛ جلوگیری از فرمالیسم روش‌شناختی؛ همکاری‌های علمی و پژوهشی میان اساتید و دانشجویان؛ تناسب منطقی میان تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای؛ ایجاد توازن بین پیشرفت نظری و عملی (کاربرد) در رشته؛ بهره‌گیری از چارچوب‌های تحلیلی و نظری متنوع؛ تلاش در جهت گرایش دانشجویان به سوی پژوهش‌های نوآورانه و جدید؛ پیوند درون و برون‌معرفتی در پژوهش؛ پیوند درون و برون‌اجتماعی در پژوهش؛ توجه نظری و کاربردی لازم به مکاتب منتقد و متنافر (هترودوکس) علوم انسانی؛ هویت علمی و پیروی از مکتب و جناح فکری مشخص در پژوهش‌های علوم انسانی

- نوآوری پژوهشی

نوآوری‌های نظری در پژوهش؛ نوآوری‌های روش‌شناختی در پژوهش؛ پژوهش نوآورانه در نظریه توسعه (برای بهبود گفتمان توسعه و نظریه‌پردازی و تقویت گفتمانی)؛ تولید دانش نظری یا نظریه‌پردازی

4-2-3 یادگیری

اساتید و پژوهشگران علوم انسانی در یک فرآیند مداوم یادگیری قرار دارند که اغلب این امر را به صورت یک وظیفه علمی و به صورت فردی از طریق مطالعه مستمر انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد برای تقویت فرآیندهای یادگیری و مؤثر ساختن آن می‌بایست در کنار فرآیندهای یادگیری فردی از سازوکارهای دوطرفه آموزش و یادگیری در بین اساتید و پژوهشگران نیز استفاده کرد. یادگیری باید معطوف به مهم‌ترین نیازهای اهالی علوم انسانی و با هدف انتقال دانش‌های حاصل از برنامه‌های پژوهشی افراد به یکدیگر باشد. گسترش آموزش و یادگیری ضمن خدمت استادان می‌تواند دانش و مهارت اساتید را با توجه به آخرین دستاوردهای علمی و نیازهای جامعه به‌روز ساخته و نگاه میان‌رشته‌ای را در آنها تقویت کند.

یادگیری در علوم انسانی به اشکال و در محورهای مختلف شرکت در کارگاه‌های آموزشی درباره نوآوری‌های محتوایی

رشته برای کمک به بخش‌های عمومی و خصوصی؛ تأسیس وبسایت یا وبلاگ سیاستی؛ ساخت فیلم و ویدئو برای بخش‌های عمومی و خصوصی

- مشاوره و خدمات مردم‌مدار: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی و پژوهشی؛ مشاوره و خدمات برنامه‌ای اجتماع‌محور (از جمله مشاوره به خانواده‌ها، مدارس و اجتماعات همسایگی و دارای بنیان‌های مکانی، اجتماعات روستایی و قومی و اجتماعات و گروه‌های مذهبی) با هدف فقرزدایی، توانمندسازی و بهبود کیفیت زندگی ذینفعان؛ مشاوره و خدمات به جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های ذینفع؛ تأسیس نهادهای پیوندی و شبکه‌ای جامعه‌محور؛ برگزاری رخدادهای علمی؛ سردبیری و عضویت در هیأت تحریریه یا هیأت داوران مجلات جامعه‌محور؛ دبیر علمی و عضویت در شورای علمی و هیأت داوران همایش‌های جامعه‌محور؛ نظارت بر طرح‌های پژوهشی جامعه‌محور؛ عضویت و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی؛ خدمات اجتماعی و برنامه‌های امدادسانی؛ تلاش موفق در جهت تغییرات سیاستی در بخش‌های عمومی و خصوصی به نفع مردم و گروه‌های ذینفع؛ کار داوطلبانه مرتبط با رشته برای کمک به جامعه؛ تأسیس وبسایت یا وبلاگ مردم‌مدار؛ ساخت فیلم و ویدئو برای مردم و گروه‌های ذینفع

در حوزه خدمات و مشاوره، تأسیس نهادهایی که بتوانند با افزایش ارتباطات بین بخش‌های علم، سیاست و جامعه، خلاءهای موجود در زمینه اثربخشی دانش علوم انسانی را مرتفع سازند مشترک است. این‌گونه نهادها معمولاً ویژگی شبکه‌ای و پیوندی دارند. به عنوان مثال نهادسازی در زمینه دانشگاهی، می‌تواند موجب افزایش همکاری، رقابت و استفاده از تجارب آموزشی و پژوهشی موفق افراد و سازمان‌های داخلی و خارجی باشد. در بخش سیاستی نیز نهادسازی می‌تواند حلقه‌های واسط میان دانشگاهیان و سیاست‌گذاران را برقرار کند همچنان‌که در بخش جامعه، مشارکت دانشگاهیان در تأسیس نهادهای ارتباط علم با جامعه (بخش‌های عمومی، خصوصی و مردم‌مدار) می‌تواند امکان نهادینه شدن علم در جامعه را فراهم کند. این نهادها بر خلاف نهادهای سازمانی نه در بخش دانشگاه که با ابتکار جامعه شکل پیدا می‌کنند. مهم‌ترین این نهادها در بخش

تعامل با شبکه‌های علمی و ارتباطاتی به نهادینه‌سازی اجتماعی و شناختی علوم انسانی می‌انجامد. تقویت اجتماعات علمی به دلیل فراسازمانی بودن، همکاری متقابل و بهره‌مندی از افکار اندیشمندان سایر سازمان‌ها را ممکن ساخته و شکاف متخصصان و کارگزاران رشته را از بین می‌برد.

4-2-5 مشاوره و خدمات دانشگاهی و اجتماعی

مشاوره و خدمات، وظیفه پنجم و کارکرد اصلی دانش و دانشگاهیان و پژوهشگران است که می‌تواند در دانشگاه و یا بیرون از آن برای بخش سیاستی و اجتماعی صورت پذیرد. نمونه‌هایی از برون‌دادهای مشاوره و خدمات برای هر یک از سه وجه اصلی دانشگاهی، سیاستی و مردم‌مدار عبارتند از:

- مشاوره و خدمات دانشگاهی: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی و پژوهشی؛ مشاوره و خدمات برنامه‌ای دانشگاهی؛ تأسیس نهادهای سازمانی پیوندی و شبکه‌ای دانشگاهی؛ تأسیس نهادهای اجتماع علمی فرهنگستان‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، مجلات، همایش‌ها و شبکه‌های علمی (واقعی و مجازی)؛ برگزاری رخدادهای علمی؛ سردبیری و عضویت در هیأت تحریریه یا داوران مجلات علمی؛ دبیر علمی و عضویت در شورای علمی و هیأت داوران همایش‌های علمی؛ نظارت بر طرح‌های پژوهشی دانشگاهی؛ ارائه مشاوره به سایر رشته‌های درون و بیرون علوم انسانی؛ مشارکت در معادل‌یابی و واژه‌گزینی؛ تأسیس وبسایت یا وبلاگ آموزشی و پژوهشی؛ ایجاد پایگاه و بانک اطلاعاتی (اسنادی و الکترونیکی) آموزشی و پژوهشی؛ ساخت فیلم و ویدئو برای بخش دانشگاهی

- مشاوره و خدمات سیاستی: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی و پژوهشی؛ مشاوره و خدمات برنامه‌ای در بخش‌های عمومی و خصوصی (از جمله مشاوره به بخش‌های اقتصادی صنعتی، کشاورزی و خدمات و بخش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی سازمان‌ها و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی) با هدف توسعه همه‌جانبه؛ تأسیس نهادهای پیوندی و شبکه‌ای سیاستی؛ برگزاری رخدادهای علمی؛ عهده‌داری سردبیری و عضویت در هیأت تحریریه یا داوران مجلات سیاستی؛ دبیر علمی و عضویت در شورای علمی و هیأت داوران همایش‌های سیاستی؛ نظارت بر طرح‌های پژوهشی سیاستی؛ انجام کار داوطلبانه مرتبط با

دانشگاهی در جدول 5 ذکر شده است.

4-3-2 کیفیت فعالیت‌های دانشگاهی

چگونگی فعالیت‌های دانشگاهی با عوامل زیر تعیین می‌شود:

الف. کیفیت آموزشی و پژوهشی (بر حسب سه شاخص تناسب محلی، کیفیت جهانی و نوآوری)

ب. رویکرد معرفتی (از دیدگاه رشته‌ای، فرارشته‌ای و چند/میان‌رشته‌ای؛ تقسیم سهم فعالیت‌ها از این منظر مطابق جدول 6 پیشنهاد می‌شود)

ج. رویکرد اجتماعی (بر حسب مخاطبان اصلی - دانشگاه، بخش سیاستی و بخش اجتماعی - که پیشنهاد می‌شود برای آنها به ترتیب سهم 60%، 20% و 20% لحاظ شود)

د. ضریب سطوح فعالیت دانشگاهی (در سه سطح زیر ملی، ملی، فراملی)؛ در این خصوص با توجه به اهمیت پیوند دانشگاه با توسعه شهری-استانی و توسعه ملی، دو سهم 40 درصدی برای سطوح کمتر از ملی و ملی و 20 درصدی برای فراملی پیشنهاد می‌شود)

4-4 فرمول پیشنهادی برای سنجش فعالیت‌های علمی

برای سنجش فعالیت‌های علمی از حاصل جمع دو ضریب کمی (معادل 1) و کیفی (حداکثر معادل 2) استفاده می‌شود و بنابراین، شاخص مزبور مجموع امتیاز فعالیت‌ها را تا سه برابر افزایش می‌دهد. برای تعیین امتیاز هر نوع از فعالیت‌های پنج‌گانه علمی مورد اشاره، مطابق مؤلفه‌ها و ضرایب جدول 7 مجموع امتیاز کمی فعالیت (با ضریب 1) و امتیازات کیفی آن (با اختصاص حداکثر ضریب 0/5 برای هر یک از موارد مشروحه در بخش 4-3-2) محاسبه می‌شود.

5- نتیجه‌گیری

این پژوهش با توجه به ضرورت ارزیابی و شاخص‌سازی اختصاصی برای علوم انسانی به استناد نقش‌ها و کارکردهای متمایز آن، هدف خود را ساختن یک مدل مفهومی و طراحی شاخص پیشنهادی ارزیابی فعالیت‌های اعضای هیأت‌علمی علوم انسانی بر اساس گسترش حوزه ذینفعان فعالیت‌های اعضای هیأت‌علمی در دنیای امروز قرار داده و با توسعه مدل چهاروجهی بوروی از انواع جامعه‌شناسی، مدلی چهاروجهی از انواع علوم انسانی به دست آورده که بتواند تمام نقش‌های مورد انتظار از اساتید این حوزه را پوشش دهد. در واقع چنین

دانشگاهی، واحدهای آموزشی و پژوهشی دارای رشته‌ها و گرایش‌های جدید یا میان‌رشته‌های جدید در سطوح گروه، دانشکده/پژوهشکده و دانشگاه/پژوهشگاه، مراکز رشد و پارک‌های فناوری حوزه علوم انسانی، کرسی رشته در رشته‌های غیر از علوم انسانی (برای گسترش تعاملات فرارشته‌ای)، فرهنگستان‌ها، انجمن‌ها و شبکه‌های علمی؛ در بخش سیاستی شامل محافل، حلقه‌ها و کانون‌های تفکر دارای گرایش سیاستی، شبکه‌های سیاستی، واحدهای تحقیق و توسعه و مراکز نوآوری صنعتی و فنی، مراکز علوم و فناوری‌های نو، مراکز خدمات فنی و مهندسی و نهادهای علمی وابسته به دولت‌های محلی و در بخش اجتماعی، مراکز آموزشی و پژوهشی پیشرفته جامعه‌محور، کانون‌های تفکر و مراکز تولید دانش جامعه‌محور، موزه‌های علوم انسانی (تاریخی، مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی، هنری، ادبی و ...) و سازمان‌های غیرانتفاعی دارای کارکرد ارتباطی بین علم و جامعه می‌باشند.

4-3-3 الگوی پیشنهادی سنجش فعالیت‌های دانشگاهی

در این الگو باید هر پنج نوع فعالیت آموزشی، پژوهشی، یادگیری جمعی، مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی و نهایتاً مشاوره و خدمات اجتماعی اعضای هیأت‌علمی، مورد توجه باشد. حداکثر نصف امتیاز اساتید باید مربوط به فعالیت‌های آموزشی و نیمی دیگر از سایر فعالیت‌ها حاصل شود. معادل‌سازی فعالیت‌های پنج‌گانه با تدریس واحدهای آموزشی را می‌توان در قالب جدول 4 پیشنهاد نمود.

جدول 4) معادل‌سازی فعالیت‌های دانشگاهی با

تدریس واحدهای آموزشی

ردیف	نوع فعالیت دانشگاهی	نحوه معادل‌سازی
1	آموزشی	معادل 20 واحد
2	پژوهشی	معادل 8 واحد
3	یادگیری جمعی	معادل 4 واحد
4	مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی	معادل 4 واحد
5	مشاوره و خدمات دانشگاهی و اجتماعی	معادل 4 واحد
	جمع	معادل 40 واحد

4-3-1 کمیت فعالیت‌های دانشگاهی

ترکیب و معادل‌های پیشنهادی برای کمیت فعالیت‌های

توسعه‌ای از یک سو قصد اجتماعی کردن ارزیابی و تلاش برای تسری دغدغه‌های اخلاقی بوروی در مورد جامعه‌شناسی به سایر حوزه‌های علوم انسانی و از سوی دیگر قصد فراهم کردن امکان سنجش همه کارکردهای متنوع علوم انسانی را دارد. چنین توسعه‌ای بدین معناست که هر کدام از رشته‌های علوم انسانی باید متناسب با ماهیت خود، سهم‌های مختلف اما غیرقابل حذفی به همه انواع فعالیت‌ها اختصاص دهند چرا که این الگو به دلیل چهاروجهی بودن، جامعیت لازم برای توسعه

جدول 5) کمیت انواع پنج‌گانه فعالیت‌های دانشگاهی {1 از 2}

نوع فعالیت	مصادیق فعالیت	معادل تدریس واحدهای آموزشی (سالانه)
آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> - تدریس دروس - تدریس در کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های کارآموزی - تدریس و سرپرستی دوره‌های بازآموزی و برنامه‌های بازدید علمی - سخنرانی و نقد کتاب (فردی یا با شرکت در میزگردها) - یادداشت و مصاحبه در نشریات عمومی - حضور در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی 	<p>کلاً معادل 20 واحد آموزشی؛</p> <p>✓ هر سخنرانی و نقد کتاب معادل 0/25 واحد</p> <p>✓ هر یادداشت و مصاحبه در نشریات معادل 0/25 واحد</p> <p>✓ هر حضور در رادیو و تلویزیون معادل 0/25 واحد</p>
پژوهشی	<ul style="list-style-type: none"> - مقالات همایش‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی - مقاله علمی-ترویجی دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی - مقاله علمی-پژوهشی دانشگاهی - تعریف یا بازبینی دروس (معادل مقاله همایش) - تعریف یا بازبینی گرایش‌ها، رشته‌ها و میان‌رشته‌ها (معادل مقاله علمی-ترویجی) - تعریف دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی کوتاه‌مدت (معادل مقاله علمی-ترویجی) - تألیف و ترجمه کتاب‌های مرجع (معادل 1 تا 3 مقاله علمی-پژوهشی) - تألیف و ترجمه منابع و کتب درسی و کمک‌درسی دانشگاهی و غیردانشگاهی (معادل 1 تا 2 مقاله علمی-پژوهشی) - ترجمه کتب برای بخش دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی (معادل 1 مقاله علمی-پژوهشی) - تألیف کتب برای بخش دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی (معادل 1 تا 2 مقاله علمی-پژوهشی) - تألیف کتب الگوساز و نظریه‌پردازی با تأیید انجمن‌های علمی (معادل 4 مقاله علمی-پژوهشی) - ترجمه/تألیف فصول کتاب برای بخش دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی (معادل مقاله علمی-ترویجی) - مقالات نقد و بررسی کتاب‌ها و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و همکاران ایرانی و خارجی (معادل مقاله علمی-ترویجی) - داشتن وبلاگ و وب‌سایت عمومی و تولید محتوای آموزشی دانشگاهی و غیردانشگاهی در فضای مجازی (معادل مقاله علمی-ترویجی) - گزارش طرح پژوهشی (معادل مقاله علمی-پژوهشی) - کارنوشت ارائه توصیه‌های سیاستی دانش‌بنیان (معادل مقاله علمی-ترویجی) - گزارش فرصت‌های مطالعاتی (معادل مقاله علمی-ترویجی) - راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه‌ها (معادل مقاله علمی-ترویجی) - پژوهش برای ساخت فیلم آموزشی و مستند علمی برای بخش‌های دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی (معادل 2 مقاله علمی-پژوهشی) 	<p>کلاً معادل 8 واحد آموزشی؛</p> <p>✓ هر مقاله همایش حداکثر معادل 1 واحد</p> <p>✓ هر مقاله علمی-ترویجی معادل 1 تا 2 واحد</p> <p>✓ هر مقاله علمی-پژوهشی معادل 2 تا 4 واحد</p>
یادگیری جمعی	<ul style="list-style-type: none"> - حضور در دروس، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی - حضور در جلسات سخنرانی، نقد کتاب، نشست‌ها و همایش‌های علمی (ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) 	<p>کلاً معادل 4 واحد آموزشی؛</p> <p>✓ هر 16 ساعت حضور معادل 1 واحد و مجموعاً 64 ساعت سالانه</p>

ادامه جدول (5) کمیت انواع پنج‌گانه فعالیت‌های دانشگاهی {2 از 2}

معادل تدریس واحدهای آموزشی (سالیانه)	مصادیق فعالیت	نوع فعالیت
<p>کلاً معادل 4 واحد آموزشی: ✓ هر 16 ساعت حضور معادل 1 واحد و مجموعاً 64 ساعت سالیانه ✓ عضویت عادی معادل 0/25 واحد ✓ عضویت فعال معادل 0/5 واحد ✓ عضویت مدیریتی معادل 1 واحد ✓ سخنرانی و نقد کتاب و شرکت در میزگرد معادل 0/25 واحد ✓ هر روز حضور در همایش معادل 0/25 واحد ✓ داشتن وبسایت/وبلاگ شخصی معادل 0/5 واحد</p>	<p>- عضویت در خرده‌اجتماعات علمی (پژوهش مشترک و هم‌تألیفی با همکاران و دیگر ارجاعی یا استناد به کار همکاران در آثار علمی خود) - عضویت عادی در اجتماعات علمی، فرهنگستان‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و شبکه‌های علمی (واقعی/مجازی) - عضویت فعال در شوراهای، کمیته‌ها و کارگروه‌های اجتماعات و انجمن‌های علمی - مشارکت و همکاری (عضویت فعال) در تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعات و انجمن‌های علمی - عضویت مدیریتی در هیأت رئیسه و مدیره اجتماعات و انجمن‌های علمی - سخنرانی، نقد کتاب و شرکت در میزگردها و همایش‌های اجتماعات و انجمن‌های علمی - داشتن وبسایت یا وبلاگ شخصی برای ارتباط با جامعه علمی</p>	<p>مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی</p>
<p>کلاً معادل 4 واحد آموزشی: ✓ مدیریت تا 4 واحد ✓ تأسیس نهادها تا 2 واحد ✓ سردبیری مجلات تا 2 واحد ✓ عضویت و مشارکت در نهادهای غیردولتی تا 2 واحد ✓ تلاش موفق سیاسی تا 2 واحد ✓ سایر موارد هر 32 ساعت معادل 1 واحد</p>	<p>- سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت آموزشی و پژوهشی - مشاوره و خدمات برنامه‌های دانشگاهی، سیاستی و اجتماعی - تأسیس نهادهای سازمانی پیوندی و شبکه‌ای دانشگاهی، سیاستی و اجتماعی - تأسیس نهادهای اجتماع علمی، فرهنگستان‌ها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، مجلات، همایش‌ها و شبکه‌های علمی (واقعی/مجازی) - برگزاری رخدادهای علمی - سردبیری و عضویت در هیأت تحریریه یا داوران مجلات علمی - دبیر علمی و عضویت در شورای علمی یا هیأت داوران همایش‌های علمی - نظارت بر طرح‌های پژوهشی دانشگاهی، سیاستی و اجتماعی - ارائه مشاوره به سایر رشته‌ها در درون و بیرون علوم انسانی - مشارکت در معادل‌یابی و واژه‌گزینی - تأسیس وبسایت یا وبلاگ آموزشی و پژوهشی، سیاستی و اجتماعی - ایجاد پایگاه و بانک اطلاعاتی (اسنادی و الکترونیکی) آموزشی و پژوهشی - کار داوطلبانه مرتبط با رشته برای کمک به بخش‌های دانشگاهی، سیاستی و اجتماعی - عضویت و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی - تلاش موفق در جهت تغییرات سیاسی در بخش‌های عمومی و خصوصی به نفع مردم و گروه‌های ذینفع</p>	<p>مشاوره و خدمات دانشگاهی و اجتماعی</p>

سیاستی پررنگ‌تر و جامعه‌شناسی وجه انتقادی پررنگ‌تری دارد اما این بدان معنا نیست که هیچ‌کدام از این وجوه قابل صرف‌نظر کردن به نفع بقیه هستند و لذا برای ارزیابی نیز باید همه این فعالیت‌ها در شاخص ارزیابی لحاظ شوند.

به همه بخش‌های علوم انسانی و در نظر گرفتن کارکردهای متنوع انواع درون علوم انسانی را نیز داراست. طبیعتاً هر کدام از رشته‌های علوم انسانی ممکن است سهم‌های متفاوتی را به فعالیت‌های درون آن رشته اختصاص دهند مثلاً اقتصاد وجه

جدول 6) تقسیم سهم فعالیت‌های دانشگاهی

از منظر رویکردهای معرفتی

ردیف	رویکرد معرفتی	میزان فعالیت
1	فعالیت در گرایش اصلی (رشته یا میان‌رشته اصلی و فرارشته‌ای)	حداکثر 60%
2	فعالیت فرارشته‌ای یا چندمیان‌رشته‌ای با سایر حوزه‌های علوم انسانی	حداقل 20%
3	فعالیت چندمیان‌رشته‌ای با حوزه‌های غیر از علوم انسانی	حداقل 20%

جدول 7) مؤلفه‌ها و ضرایب پیشنهادی برای سنجش

فعالیت‌های علمی

ردیف	مؤلفه‌های سنجش	ضریب مؤلفه
1	کمیت یا تعداد فعالیت	1
2	کیفیت فعالیت	حداکثر 0/5
3	رویکرد معرفتی	حداکثر 0/5
4	رویکرد اجتماعی	حداکثر 0/5
5	سطح فعالیت	حداکثر 0/5

معرض دید پژوهشگران علوم انسانی قرار می‌دهد. بخش مشاوره و خدمات دانشگاهی و اجتماعی در شاخص پیشنهادی، اساساً بخش جدیدی است که به ارزیابی اضافه و ذیل آن سه بخش مشاوره و خدمات مردم‌مدار، سیاستی و دانشگاهی تعریف شده‌اند. جزئیات شاخص‌های این بخش‌ها مانند همایش سیاستی یا دانشگاهی با الهام از بخش‌های موجود در شاخص فعلی اتخاذ شده‌اند. بخش یادگیری و مشارکت در اجتماعات و انجمن‌های علمی هم با ذکر جزئیات قابل سنجش از انواع آن لحاظ شده است.

شاخص چندبُعدی پیشنهادی در این پژوهش، امکان سنجش سویه‌های اخلاقی علوم انسانی را چنان‌که مدنظر بوروی در مورد جامعه‌شناسی بوده فراهم می‌کند و سنجش عملکرد اساتید در راستای اهداف اجتماعی-اخلاقی رشته‌های علوم انسانی را ممکن می‌سازد.

نقص دیگری ارزیابی فعلی، کمی و افقی بودن آن است. در حالی که شاخص پیشنهادی این پژوهش تلاش کرده معیارهای کیفیت را نیز در بخش‌های مختلف فعالیت‌ها لحاظ اما همچنان منطبق بر ایده ارزیابی افقی است. در واقع این شاخص پیشنهادی، ارزیابی را از درون دانشگاه بیرون برده و آن را به نوعی اجتماعی کرده است. به طوری که ارزیابی بخش درون دانشگاهی می‌تواند توسط همکاران و اجتماع علمی انجام و ارزیابی بخش بیرونی توسط ذینفعان (دولت، جامعه و بازار) صورت گیرد.

بر اساس یافته‌های فوق، پیشنهاد می‌شود انواع متعددی از فعالیت‌ها که در این شاخص و الگو پیشنهاد شده‌اند به عنوان چشم‌اندازی از گستره وسیع فعالیت‌ها مورد توجه اعضا هیأت‌علمی قرار گیرد و حوزه فعالیت‌ها از محدوده دانشگاهی به محدود فراتر رسالت‌های اجتماعی علوم انسانی برود. چنین توجه و گسترشی، موجب ترویج دانش موجود و در سطحی بالاتر فراهم آمدن امکان تولید دانشی مبتنی بر تعامل با اجتماع شده و از این مسیر امکان توسعه علوم انسانی در کشور فراهم می‌آید. در این شاخص با گسترش آموزش و پژوهش از دانشگاه به حوزه عمومی و سیاست‌گذاری، فرصت‌های رشد دانش و مهارت برای گروه وسیع‌تری از جامعه فراهم آمده و معیارهای کیفی ذکر شده برای آموزش (تناسب ارزشی/محلی، کیفیت جهانی و آموزش خلاق)، امکان فراتر رفتن از

علاوه بر این، شاخص‌ها تنها جهت‌های کلی ارزیابی را نشان خواهند داد و همچنان اعضاء هر کدام از اجتماعات ذینفعان می‌توانند مرجع ارزیابی باشند. ارزیابی فعالیت‌های حرفه‌ای و بُعد درون دانشگاهی می‌تواند توسط اجتماع علمی و به صورت افقی توسط همکاران و ارزیابی فعالیت‌های سیاستی، انتقادی و حوزه عمومی نیز توسط اجتماعات ذینفعان مرتبط مانند بازار، دولت و جامعه صورت گیرد.

الگوی ارزیابی مورد اشاره پنج بخش اصلی برای فعالیت‌های اعضاء هیأت‌علمی قائل شده است. این الگو با فراتر رفتن از شیوه ارزیابی فعلی علوم انسانی که بیشتر متمرکز بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی است از یک‌سو تلاش می‌کند فعالیت‌های خارج از دانشگاه اساتید را نیز لحاظ کرده و از سوی دیگر، جهت‌گیری‌های جدیدی در خصوص وظایف اساتید علوم انسانی نسبت به بیرون از دانشگاه (دولت، جامعه و بازار) ترسیم کند. این جهت‌گیری‌های جدید در بخش آموزش و پژوهش با تعریف انواع جدید پژوهش و آموزش برای جامعه و ذیل آن پژوهش و آموزش مردم‌مدار و سیاستی انجام شده است. باز کردن این تعاریف و دسته‌بندی‌ها، گستره وسیع‌تری از انواع فعلی و مرسوم آموزش و پژوهش را در

فنی و اختراع یا اکتشاف، طراحی سیستم‌ها و روش‌ها و خدمات جدید به منظور حل معضلات موجود، تهیه گزارش‌های علمی، کرسی‌های نظریه‌پردازی، داوری، کسب رتبه در جشنواره‌ها و ...).

بخش 4- فعالیت‌های علمی و اجرایی: مجموعه‌ای از فعالیت‌های مبتنی بر مؤلفه‌های علم، دانش، پژوهش و فناوری که هدف آن تقویت مدیریت اجرایی و توسعه زیرساخت‌ها در حوزه‌های مرتبط است (برپایی نمایشگاه‌ها، اردوها، فعالیت‌های فوق‌برنامه، طراحی و راه‌اندازی کارگاه و آزمایشگاه، تأسیس دانشگاه، نشریه، برگزاری همایش‌ها، شرکت در کمیسیون‌های مختلف سازمان‌ها، تأسیس رشته‌های جدید، طراحی سؤالات آزمون‌های معتبر و ...).

منطق حاکم بر آئین‌نامه فوق‌الذکر، اولویت دادن به آموزش و پژوهش و افزودن دو بخش فرهنگی و اجرایی برای تکمیل فعالیت‌هاست اما در شاخص جدید، منطق حاکم بر الگو، ضرورت چهار نوع علوم انسانی برای چهار نوع مخاطب مشخص و با اهداف مشخص است. در واقع در این الگوی جدید، ما فعالیت در دانشگاه و برای دانشجو را در کنار وجه انتقادی و نقش‌آفرینی دانشمند علوم انسانی برای جامعه در نظر گرفته‌ایم در عین حال که از نظر تخصصی وی برای سیاست‌گذاری بهره می‌بریم و بر یادگیری و نقش او در تقویت اجتماعات علمی هم تأکید می‌کنیم و همه این ابعاد گوناگون را در یک شاخص و در کنار هم ارزیابی می‌کنیم تا هیچ نقشی نادیده و کم‌اهمیت تلقی نشود. به علاوه اینکه هر کدام از اندیشمندان رشته‌های مختلف درون علوم انسانی بنا به ماهیت رشته و حتی بنا به توانمندی‌ها و سلیقه اندیشمند، می‌توانند بر یکی از این ابعاد تأکید ویژه داشته و گستره متنوع‌تری برای فعالیت خود داشته باشند.

در نهایت با ذکر همه مزایای الگوی پیشنهادی این پژوهش و طی مسیر پژوهشی معتبر برای دستیابی به آن، الگو باید در پژوهشی مستقل اعتبارسنجی شود. این الگو می‌تواند به عنوان مبنای ارزیابی سنجش اختصاصی علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و یا نهادهای سیاست‌گذاری علوم انسانی برای سنجش میزان توسعه رشته‌های مختلف علوم انسانی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین این الگو به جهت درگیرکردن مجموعه‌ای از ذینفعان می‌تواند ارزیابی بالا به

کمی‌گرایی فعلی در ارزیابی که به دلایلی از قبیل مورد سلطه قرار گرفتن علوم انسانی و ممانعت از توسعه آن مورد انتقاد جدی است را فراهم می‌آورد.

در مقایسه با پژوهش‌های پیشین که به طور عام به ارزیابی عملکرد فعالیت‌های اعضاء هیأت‌علمی پرداخته‌اند در این پژوهش برای دستیابی به شاخص، به شیوه‌ای متمایز عمل شده و با مرور نقش‌ها و کارکردهای علوم انسانی تلاش شده که بخش‌های نادیده در شاخص فعلی، طرح و با اتخاذ رویکردی تلفیقی رابطه اندیشمندان علوم انسانی با همه ذینفعان اعم از دولت، بازار، جامعه و دانشگاه مورد توجه قرار گیرد و امکان مشارکت تمام گروه‌های ذینفع در ارزیابی عملکرد فراهم آید.

با یادآوری ابعاد شاخص‌های فعلی، امکان مقایسه منطق دسته‌بندی فعالیت‌ها در شاخص پیشنهادی با شاخص‌های موجود فراهم می‌شود. آخرین نسخه آئین‌نامه ارتقاء هیأت‌علمی ابلاغ شده در سال 95 شامل چهار دسته اصلی با تعاریف و مصادیق زیر است:

بخش 1- فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی: تعریف مجموعه‌ای از فعالیت‌های عضو هیأت‌علمی که مؤید آمیختگی علم و اخلاق اسلامی و مبتنی بر تقویت و ترویج باورهای اعتقادی، مذهبی و ملی و مطابق با قانون اساسی و ارزش‌های انقلاب اسلامی است (تدوین کتاب و مقاله، تهیه پیوست فرهنگی، مشاوره فرهنگی، تقید به ارزش‌های دینی، کسب جوایز فرهنگی، شرکت در کارگاه‌ها، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی و ...).

بخش 2- فعالیت‌های آموزشی: مجموعه‌ای از فعالیت‌های اعضاء هیأت‌علمی به منظور آموزش و تربیت دانشجویان و معطوف به حفظ و ارتقاء کیفیت آموزش و انتقال مطلوب مفاهیم است (رعایت نظم، کمیت و کیفیت آموزش، راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه و ...).

بخش 3- فعالیت‌های پژوهشی و فناوری: مجموعه‌ای از فعالیت‌های عضو هیأت‌علمی است که ضمن هدفمند بودن، قابلیت کشف و توسعه حقایق و بکارگیری یافته‌های علمی را دارد و با هدف رفع نیاز جامعه، توسعه مرزهای دانش و بسط فناوری‌های برخوردار از اولویت در کشور صورت می‌گیرد (مقالات علمی پژوهشی و ترویجی و همایشی، تولید دانش

[13] International Council for Science. (2005). ICSU Strategic Review, Science and Society: Rights and Responsibilities. Available at: www.icsu.org

[14] UNESCO. (2002). Harnessing science to society: analytical report. Paris: UNESCO. Available at: http://www.unesco.org/science/wcs/report_wcs.pdf

[15] فاتحی، احمد و محمدی، فاطمه. (1387). ارائه مدلی جهت نهادینه

کردن ارزیابی عملکرد اعضای هیأت‌علمی در دانشگاه‌ها به عنوان پیش‌نیاز تدوین نظام پرداخت بر مبنای شایستگی. جامعه‌شناسی، 10، 99-120.

[16] آذر، عادل و ترکاشوند، علیرضا. (1385). ارزیابی عملکرد آموزشی و

پژوهشی با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها: گروه‌های آموزشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس. مدرس علوم انسانی، 10(1)،

24-1.

[17] ورجین، جان اف و لی، آلن هنری. (1374). روش‌های تحلیل حجم

کاری اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (مطالعه

موردی). ترجمه: قورچیان، نادرقلی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش

عالی، 10، 141-166.

[18] گلدنر، آلون. (1368). بحران جامعه‌شناسی غرب. ترجمه: ممتاز،

فریده. شرکت انتشار.

[19] همیلتون، پیتر. (1380). شناخت و ساختار اجتماعی. ترجمه:

شمس‌آوری، حسن. تهران: مرکز.

[20] میلز، سی‌رایت. (1383). بینش جامعه‌شناختی، نقدی بر جامعه‌شناسی

آمریکایی. ترجمه: انصاری، عبدالمعبود. شرکت سهامی انتشار.

[21] Gibbons, M. (2000). Mode 2 society and the emergence of context-sensitive science. *Science and public policy*, 27(3), 159-163.

[22] Nowotny, H. (2010). Out of science—out of sync?. *World Social Science Report*, 319-322.

[23] Burawoy, M. (2004). Public sociologies: Contradictions, dilemmas, and possibilities. *Social Forces*, 82(4), 1603-1618.

[24] بوروی، مایکل. (1386). درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار. ترجمه:

شاه‌رکنی، نازنین. مجله جامعه‌شناسی ایران، 29، 168-201.

[25] قانع‌راد، محمدامین و مرشدی، ابوالفضل. (1390). پیمایش فهم

عمومی از علم و فناوری: مطالعه موردی شهروندان تهرانی. سیاست علم و

فناوری، 3(3)، 93-110.

[26] قانع‌راد، محمدامین و طباطبایی، سیده مرجان. (1390). نگرش‌های

عامه به علم و فناوری در بین شهروندان تهرانی. سیاست علم و فناوری.

1(1)، 83-93.

[27] Callon, M. (1999). The role of lay people in the production and dissemination of scientific knowledge. *Science, Technology and Society*, 4(1), 81-94.

پائین را به چالش کشیده و امکان درگیرکردن همه گروه‌های مخاطبان را در ارزیابی فراهم کند.

References

منابع

[1] Hazelkorn, E. (2010). Pros and cons of Research assessment in World Social Science Report: Knowledge Divides, 255-258.

[2] دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. (1395). آئین‌نامه ارتقاء مرتبه

اعضای هیأت‌علمی مؤسسه‌های آموزش عالی، پژوهشی و فناوری دولتی و غیردولتی. تهران.

[3] Archambault, É., & Larivière, V. (2010). The limits of bibliometrics for the analysis of the social sciences and humanities literature. *World Social Science Report*, 251-254.

[4] Kyvik, S., & Larsen, I. M. (1994). International contact and research performance. *Scientometrics*, 29(1), 161-172.

[5] Nederhof, A. J., Van Leeuwen, T. N., & Tijssen, R. J. (2004). International benchmarking and bibliometric monitoring of UK research performance in the social sciences. *CWTS*.

[6] Clemens, E. S., Powell, W. W., McIlwaine, K., & Okamoto, D. (1995). Careers in print: Books, journals, and scholarly reputations. *American Journal of Sociology*, 101(2), 433-494.

[7] داورپناه، محمدرضا. (1386). چالش‌های علم‌سنجی در علوم انسانی در مقایسه با سایر حوزه‌های علم. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، 30، 146-125.

[8] Van Raan, A. F. (2005). Fatal attraction: Conceptual and methodological problems in the ranking of universities by bibliometric methods. *Scientometrics*, 62(1), 133-143.

[9] Economic and Social Research Council. (2010). *ESRC Festival of Social Science 2010: Evaluation Report*.

[10] International Social Science Council. (2010). *Defining the humanities – A work in progress*. Paris: Unesco Publishin Humanities council of Washington. Available

at:

www.wdchumanities.org/docs/defininghumanities.pdf

[11] European Commission. (2003). *Public opinion in the Countries Applying for European Union Membership*. Available

at:

http://europa.eu.int/comm/public_opinion

[12] European Commission. (2005). *Questions of science: Ethos from the science in society forum*. Luxembourg: Office for official publications of the European Commission. Available at: <http://europa.eu.int/comm/research/society2005.htm>

Compilation of Multidimensional Model for Evaluation of Humanities and Social Science' Development

Mohammad Amin Ghanei Rad^{1*}, Maryam Mahmoodi², Hossein Ebrahim Abadi³

1- Professor of Science and Society Research Department, National Research Institute for Science Policy, Tehran, Iran

2- Sociology Ph.D. candidate, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

3- Associate Professor, Institute for Social and Cultural Studies, Tehran, Iran

Abstract

Currently social sciences and humanities are evaluated by the same model and indicator with natural and engineering sciences and there is no specific model for it's evaluation and this made lots of criticisms between scholars and researchers in these fields, deficiency of evaluations and misinterpretation of social sciences and humanities' situation in Iran. Because of this necessity, aim of this paper is making a conceptual model and suggesting a multi-dimensional model for evaluating of social sciences and humanities. So with review of literature of roles of humanities and social sciences and choosung integrated approach and developing Burowoy's 4 kind of sociology to 4 kinds of social sciences and humanities we came to a primary model and then correct it with using multiple research methods including content analysis of Iran and other countries 's experiences and qualitative interview with 35 faculty members and research fellow by targeted sampling in 18 different disciplines in this field and finally having current upgrade instruction of faculty members and research

fellows in mind, we propose the multidimensional model of evaluation of social sciences and humanities.

Keywords: Multidimensional Evaluation Model, Social Sciences and Humanities, Integrated Approach, Multiple Method, 4 kinds of Social Sciences and Humanities

* Corresponding author: Ghaneirad@yahoo.com